

## بسمه تعالی

▪ احمد بهشتی لنگرودی

▪ حمیدرضا اکبری

### ضرورت مدیریت بر روند تسهیلات اعطائی به اشخاص مرتبط در بانکها و موسسات اعتباری

بانکها و موسسات مالی یکی از مهمترین بخش های اقتصادی در هر کشور محسوب می شوند که کارکرد و عملکرد آنها به طور مستقیم و غیرمستقیم بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و معیشتی جامعه تاثیر گذار می باشد.

در ادبیات بانکداری تجهیز منابع و تخصیص آن همواره از اصلی ترین وظایف بانکها محسوب می شود. بانکها نقدینگی موجود در چرخه اقتصادی و وجوه مازاد را از طرق مختلف جذب و با تخصیص بهینه آن به متقاضیان، وظیفه سنتی خود که همان واسطه گری مالی میان سپرده گذاران و متقاضیان تسهیلات است را ایفا مینمایند. در فعالیت های بانکی جذب منابع و تخصیص آن از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چرا که به طور معمول جذب منابع ارزان قیمت و پایدار و تخصیص صحیح آن عامل اصلی موفقیت بانکها محسوب میگردد.

امروزه شرایط و موقعیت بانکها برای جذب منابع یکسان نبوده و عوامل مختلفی در تجهیز منابع پولی تاثیرگذار می باشد که ممکن است کمیت و کیفیت آن در هر شعبه از یک بانک نیز متفاوت باشد. عواملی نظیر مهارت نیروی انسانی شاغل در بانک، تنوع و کیفیت خدمات ارائه شده، میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ابزارهای نوین بانکی، مطلوبیت محیط داخلی شعب و محل استقرار آنها، نحوه معرفی خدمات و موثر بودن تبلیغات و ... ابزارهای مهمی هستند که برای جذب منابع از آنها استفاده می شود، لیکن برخی از بانکها و موسسات مالی و اعتباری بدون توجه به نکات تخصصی و حرفه ای برای تجهیز منابع به روشهای ناسالم روی آورده و با دور زدن مقررات بانکی و به صورت غیررسمی و در خلاء نظارتهای موثر و کارآمد و ضمانتهای اجرایی بازدارنده، نسبت به افزایش نرخ سود سپرده های خود اقدام و از این طریق منابع بسیاری با قیمت تمام شده قابل توجه جذب می نمایند. این موضوع در بازار غیر متشکل پولی که عمدتاً شامل موسسات مالی و اعتباری بدون مجوز از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا می باشند بیش از پیش نمود پیدا می کند.

این اقدامات و سایر مشکلات موجود در صنعت بانکداری نظیر افزایش بدهی دولت به بانکها، مطالبات معوق، تکالیف بودجه ای، قانونی، مالی و بانکی و خلاء های قانونی در نحوه مدیریت بانکها و ... باعث شده که بانکها و موسسات مالی معتبر و قانونی نیز با چالشها و موانع بسیاری در ایفای مسئولیتهای خود مواجه گردند.

با توجه به رویکرد موصوف انتظار می رود که منابع محدود ولی گران قیمت جذب شده به شرح فوق، جهت امکان تداوم فعالیت و سودآوری با اعتبار سنجی های مناسب به شکل مطلوب در چرخه اقتصاد کشور و در راستای سیاستهای نظام جمهوری اسلامی در حمایت از اشتغال، صنعت، تولید و حمایت از اقتصاد مقاومتی مورد بهره برداری فعالان اقتصادی کشور قرار گیرد. لیکن برخی از بانکها و موسسات مالی و اعتباری به دلیل عدم نظارت پذیری و میل به قانون گریزی و عدم توجه به ابعاد حرفه ای و تخصصی بانکداری در تخصیص منابع نیز با مشکلات عدیده ای روبرو بوده و بعضاً به جای تخصیص صحیح منابع جذب شده، منابع را بدون توجه به مواردی نظیر اعتبار سنجی مناسب، توجه به تخصص و تجربه کافی، حسن شهرت، دریافت وثایق مطمئن و کافی و .... به شرکتها و نهادهای تابعه و اشخاص وابسته و مرتبط با خود واگذار می نمایند.

آنچه مسلم است این نوع از تخصیص و واگذاری منابع به افراد غیرمتخصص و در چرخه و حلقه های انحصاری در اغلب موارد حاصلی جز هدر رفتن منابع سپرده گذاران نداشته و علاوه بر اینکه باعث بروز تبعات اجتماعی به دلیل هزر رفتن سرمایه های مردم خواهد گردید (که هم اکنون نمونه هایی از این دست در جامعه مشاهده می گردد) به دلیل عدم اختصاص منابع به بخشهای تولیدی و سرمایه گذاری که می توانست منجر به افزایش تولید و درآمد ملی، ایجاد اشتغال و در نهایت شکوفایی اقتصادی گردد، موجب ایجاد رانت و نیز بروز هزینه فرصت از دست رفته گردیده و آثار سوء اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر کشور تحمیل نموده و باعث خدشه دار نمودن اعتماد عمومی جامعه به بانکها و موسسات مالی قانونی و هدفمند می گردد.

بدیهی است جهت حل معضل و خروج از شرایط فوق الذکر، وجود عزم و اراده ملی در تمامی قوا و نهادهای متولی از جمله قوای مقننه، مجریه و قضائیه ضروری بوده و در این رابطه نقش ارکان نظارتی ذیربط بویژه بانک مرکزی ج.ا.ا نیز می باید پررنگ تر و اثر گذار تر گردد، در این راستا علاوه بر دستورالعمل ها و ابلاغیههای متعدد در خصوص نرخ سود سپرده ها انجام اقداماتی نظیر برخورد با بانکها و موسسات مالی که بدون توجه به قوانین و مقررات، اقدامات نامتعارفی در رابطه با تخصیص منابع به اشخاص وابسته و مرتبط خود انجام میدهند ضروری می باشد.

تجربیات حاصله بیانگر این مطلب است که به طور معمول بانکها و موسسات خاطی در رابطه با تخصیص نامتعارف منابع به اشخاص مرتبط و وابستگان با مشکلات عدیده و جدی نظیر رشد مطالبات غیرجاری،

کمبود نقدینگی و بلوکه شدن منابع مواجه می باشند که این امر ناشی از عدم توجه به نکاتی نظیر تخصص و سوابق حرفه ای افراد، اعتبار سنجی مناسب، حصول اطمینان از توانمندی اشخاص برای بازپرداخت اعتبار و نیز در نظر گرفتن روابط شخصی، مالکیتی، مدیریتی و نظارتی بوده است. در این راستا و جهت پیشگیری از گسترش وضعیت ناهنجار اشاره شده، نظارت بر اجرای دقیق آیین نامه ها و دستورالعمل های مربوطه نظیر آیین نامه نحوه اعطای تسهیلات و تعهدات به اشخاص مرتبط می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و موانع حال و آتی باشد. این دستورالعمل در عرصه بین المللی از مهم ترین مقررات احتیاطی به حساب آمده و یکی از اهداف اصلی آن، پیشگیری از ریسک تمرکز و مدیریت آن که یکی از ریسک های اعتباری مهم به شمار می رود باشد. در این رابطه یکی از نکات کلیدی لحاظ شده در آن، تعیین حد فردی و جمعی برای پرداخت تسهیلات به اشخاص مرتبط است.

اشخاص مرتبط، اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که به نحوی از انحاء نظیر داشتن روابط شخصی، مالکیتی، مدیریتی و نظارتی بتوانند به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در تصمیم گیریهای مؤسسه اعتباری اعمال کنترل نموده و یا نفوذ قابل ملاحظه ای داشته باشند، به گونه ای که مؤسسه اعتباری را تبدیل به منبع تأمین مالی ترجیحی خود نموده و بدین ترتیب منافع مؤسسه اعتباری، تحت الشعاع منافع اشخاص مذکور قرار گیرد. در این راستا بانکها و موسسات اعتباری مکلف هستند فهرست اشخاص مرتبط، نوع ارتباط آنها، میزان تسهیلات و تعهدات اعطا یا ایجاد شده به آنها، نرخ سود و کارمزد، مدت بازپرداخت، نوع وثیقه و دوره تنفس تسهیلات و تعهدات مزبور را در مقاطع مشخص به ناظران مربوطه در بانک مرکزی ج.ا.ا ارائه نمایند.

هنگامی که شخص وابسته و مرتبط (حقیقی یا حقوقی) برای دریافت تسهیلات و دیگر خدمات اعتباری به بانک مراجعه می کند، بانک باید دو مورد را بررسی کند:

- ۱) آیا این اشخاص به نحوی از انحاء نظیر داشتن روابط شخصی، مالکیتی، مدیریتی نظارتی با بانک دارای منافع مشترکی بوده و قبلاً از بانک تسهیلات دریافت نموده اند؟
- ۲) در صورت وجود، پس از شناسایی این اشخاص باید میزان تسهیلات و تعهدات به گونه ای تعیین شود که از سقف مقرر فراتر نرود.

علت اهمیت این موضوع در این است که چنانچه بانک بدون بررسی این موارد، به متقاضی تسهیلات پرداخت یا به نفع او برای خود تعهد ایجاد نماید با خطر تمرکز در ایجاد اعتبار به اشخاص مرتبط با خود روبه رو خواهد شد. این وضعیت شرایطی کاملاً انحصاری در اعطای تسهیلات و نحوه تخصیص آن به این متقاضیان ایجاد نموده و در صورت عدم رعایت سقف و ضوابط و مقررات تعیین شده موجب می گردد که

منابع جذب شده به طور عمده یا صرفاً در حلقه خودیها و وابستگان مورد استفاده قرار گرفته و بعضاً به سوء جریانات و سوء استفاده های نامطلوب از اعتماد سپرده گذاران منتهی گردد. جهت کنترل این وضعیت قانونگذار می باید ترتیبی اتخاذ نماید تا این شرایط با ابلاغ آیین نامه ها و ضوابط مربوطه شفاف گردیده و جهت شکل گیری فرآیند مطلوب در نظام تخصیص منابع، بانکها مقید به رعایت تخصیص بهینه و مطلوب منابع بین آحاد مختلف جامعه و بخشهای اقتصادی گردند.

**با عنایت به موارد مطروحه نکات مهمی به شرح زیر می باید در نحوه ابلاغ، اجرا، پایش و**

**نظارت های مربوطه رعایت گردد:**

- (۱) تعیین مصادیق اشخاص مرتبط و ایجاد بانک اطلاعاتی جامع و دقیق برای شناسایی آنها
  - (۲) تعیین مصادیق اشخاصی که به دلیل دارا بودن منافع مشترک با اشخاص مرتبط، باید در بررسی روند درخواستهای اعتباری ایشان را به صورت یک مجموعه «واحد» و «کل» لحاظ نمود.
  - (۳) تعیین سقف فردی و جمعی تسهیلات و تعهدات به اشخاص مرتبط در سطحی که بانک را از رویارویی با ریسک تمرکز مصون داشته و از انحصار تخصیص منابع به افراد خاص پیشگیری نماید، همچنین کنترل و پایش این موضوع که بانکها از طریق تبانی و به صورت متقابل به شرکتهای زیر مجموعه خود اعتبار اعطا نمایند.
  - (۴) لحاظ سازوکارهای نظارتی لازم جهت ارزیابی و نظارت کامل بر بانکها و موسسات مالی و اعتباری و ایجاد تفاوت و تمایز بین بانکها (از طریق اعطای امتیاز یا تنبیهات موثر) در جهت ترغیب ایشان به رعایت دستورالعمل های مربوطه.
  - (۵) وضع قوانین و مقررات مربوطه همراه با قدرت بازدارندگی لازم برای برخورد انضباطی با بانکها و موسسات خاطی و ایجاد ضمانتهای اجرایی موثر و کارآمد در این خصوص.
- در عرف بانکداری بین المللی، معیاری که برای تعیین حدود مورد بحث، در نظر گرفته می شود به طور معمول سرمایه پایه (سرمایه نظارتی) است. تعریف سرمایه نظارتی برای اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته نظارت بر بانکداری بال، در تفاهم نامه اول بال، در مورد «نسبت کفایت سرمایه» ارائه شد. انتخاب «سرمایه» به عنوان معیار، منطقی و قابل قبول به دلیل نقشی است که به طور بالقوه می تواند برای پوشش زیانها ایفا نماید.
- در این راستا و به استناد بند (۵) از ماده (۳۴) قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه سال ۱۳۵۱، بانکها و موسسات غیربانکی مجاز نمی باشند بیش از آن چه بانک مرکزی ج.ا.ا به موجب دستورالعملها یا آیین نامه های خاص تعیین می نماید به ارکان خود که در ادبیات بین المللی نظارت بانکی، اشخاص مرتبط

نامیده میشوند، تسهیلات و یا اعتبار اعطا نمایند. اما نکته مهم در این رابطه لحاظ ضمانت های اجرائی قوی و موثر و ایجاد فرآیند سیستمی مناسب برای پایش موضوع و پیشگیری از ورود بانکها به عرصه انحصاری نمودن منابع در حلقه اشخاص مرتبط می باشد، که این موضوع نیازمند همت و اراده دستگاههای ذیربط در قوای سه گانه و حضور ناظران متخصص و متعهد می باشد.

### **منابع:**

- (۱) بررسی عوامل موثر در تجهیز منابع مالی بانکها و موسسات مالی و ارائه راهکارهایی به منظور بهبود آن، مهران قدیری
- (۲) روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۲۷۱۲ تاریخ چاپ: ۱۳۹۱/۰۵/۲۱، صدیقه رهبر
- (۳) آیین نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ابلاغی در سال ۱۳۹۴